



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

# مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی

یکصد و چهاردهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

زمستان ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)

وب سایت: [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش	شماره گزارش: ۱۴۰۳/۱۱/۹۶/۱۱۴/۱
<b>عنوان گزارش:</b> مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی* یکصد و چهاردهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۳۰	
<b>واژگان کلیدی:</b> شورای فقهی، مشروح مذاکرات، سپرده سرمایه‌گذاری، افزایش سرمایه، توزیع سود.	
<b>تاریخ انتشار گزارش:</b> زمستان ۱۴۰۳	

\* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

## فهرست

اسامی حاضرین در جلسه (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۴

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: «عدم توزیع سود فروش سرمایه‌گذاری در سهام بین سپرده‌گذاران

و سهامداران و صرفاً افزایش سرمایه از محل آن»..... ۵

## اسامی حاضرین در جلسه (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)<sup>۱</sup>

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. حجت الاسلام والمسلمین باقری بنایی (عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر سید محمدرضا حسینی‌پور (دستیار ویژه قائم مقام بانک مرکزی)
۹. آقای دکتر حسین صدقی (مدیر کل تنظیم مقررات بانک مرکزی)
۱۰. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۱. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۲. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۳. آقای علی نظری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۴. آقای مهدی شهبازی‌فرد (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۵. آقای محمدحسین منصوری (کارشناس گروه اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی)
۱۶. خانم مریم بیدخوری (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۷. آقای کوروش بروجی (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۸. آقای دکتر علیرضا رامروز (متخصص مسائل حسابداری)

<sup>۱</sup> از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی، آقایان دکتر محمدپور، دکتر خورسندیان و دکتر افشار در این جلسه غائب بودند.



## مشروح مذاکرات مرتبط با دستور: «عدم توزیع سود فروش سرمایه‌گذاری در سهام بین سپرده‌گذاران و سهامداران و صرفاً افزایش سرمایه از محل آن»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: موضوع مورد بررسی در این جلسه، عدم توزیع سود ناشی از فروش سرمایه‌گذاری‌های بانکی میان سهامداران و سپرده‌گذاران و افزایش سرمایه بانک‌ها از محل فروش سرمایه‌گذاری‌ها است. در ادامه، توضیحاتی پیرامون موضوع یاد شده توسط همکاران معاونت تنظیم‌گری و نظارت ارائه می‌شود.

صدقی: با توجه به اینکه، بانک‌ها هنگام فروش موارد سرمایه‌گذاری خود، اقدام به شناسایی سود می‌کنند، در سال ۱۴۰۰ شورای محترم پول و اعتبار مقرر نمود که با تأیید بانک مرکزی و گذراندن مراحل اجرایی، سود ناشی از فروش سرمایه‌گذاری در سهام، میان سهامداران و سپرده‌گذاران توزیع نشود و صرفاً برای تقویت سرمایه بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرد. البته در سال ۱۴۰۲، شورای محترم فقهی مصوبه فوق را از منظر شرعی و فقهی مورد بررسی قرار داد و اعلام نمود که این مسئله ملاحظات خاص فقهی دارد. در این میان، برخی از بانک‌ها طبق مصوبه شورای پول و اعتبار عمل کرده و این سود را برای افزایش سرمایه استفاده نمودند، لیکن سایر بانک‌ها اقدام مشابهی انجام ندادند. این امر ممکن است به دلایل متفاوتی مانند عدم شناسایی سود، عدم تصویب طرح افزایش سرمایه در هیئت مدیره بانک و یا عدم تمایل بانک‌ها به اجرای مصوبه رخ داده باشد.

از طرف دیگر، برخی ملاحظات نظارتی نیز در این رابطه مطرح است. سرمایه‌گذاری بانک‌ها در سهام، اغلب با قیمت‌های تاریخی ثبت شده است و با افزایش قیمت سهام و فروش این سرمایه‌گذاری‌ها سود زیادی عاید می‌شود. اگر این سود طبق قاعده تقسیم شده و به شکل سود مشاع میان بانک و سپرده‌گذاران توزیع شود، نتایج متفاوتی به دست می‌آید. محاسبات نشان می‌دهد که اگر فرضاً ۱۸ درصد سود علی‌الحساب بین سپرده‌گذاران تقسیم شود، در انتهای سال و در زمان محاسبه سهم سپرده‌گذاران از سود قطعی، سهم محاسبه شده و پرداخت می‌گردد. در این شرایط، افزایش سرمایه برای رفع ناترازی بانک‌ها می‌تواند یک اقدام مثبت ارزیابی شود. اما پرداخت سهم سپرده‌گذاران از سود قطعی، می‌تواند باعث پیچیده‌تر شدن ناترازی مالی بانک‌ها شود. حتی در مواردی بانک مجبور به پرداخت مبلغ بالایی به سپرده‌گذاران می‌شود. برای مثال، در یک مورد خاص نیاز به پرداخت ۵ همت سود اضافی برای یک بانک بوده است.

اسلامیان: سودی که در حال حاضر از سرمایه‌گذاری‌ها به دست می‌آید، به قدری زیاد و غیرمنتظره است که اگر مقرر شود این سود به سپرده‌گذاران تعلق گیرد، در بسیاری از موارد توازن مالی و اقتصادی را به هم می‌زند. در واقع، چنین

سودهایی را نمی‌توان سود واقعی دانست؛ چرا که تنها بر پایه تورم ایجاد شده است. به عبارت دیگر، این نوع سود، تنها جبران کاهش ارزش پول و حفظ قدرت خرید است و عایدی حقیقی نیست. برای روشن‌تر شدن موضوع و بر اساس یک نظر فقهی، فرض کنید بنده کالایی را امسال با مبلغ ۱۰۰ هزار تومان خریداری می‌کنم و به دلیل تورم، قیمت این کالا در سال آینده به ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد. حال اگر سال آینده زمان محاسبه خمس باشد، نباید خمس مبلغ ۱۰۰ هزار تومان اولیه که افزایش آن ناشی از تورم بوده است پرداخت شود. بلکه معیار باید قدرت خرید باشد. اگر مازادی واقعی و اضافی نسبت به این معیار وجود داشته باشد، آنگاه می‌توان آن را مشمول خمس دانست. با چنین دیدگاهی، خیلی از این موضوعات خود به خود منتفی می‌شود و نیازی به پرداخت خمس بر اساس ارقام اسمی برآمده از تورم نیست.

**صدقی:** بانک‌ها معمولاً سهامی از شرکت‌های بزرگ و پرنفوذ را در اختیار دارند که این سهام به نوعی نمایانگر وضعیت اقتصادی و عملکرد آن شرکت‌ها است. با این حال، نکته قابل توجه این است که ارزش سهام الزاماً همسو با تورم حرکت نمی‌کند. برخی تصور می‌کنند که تورم به تنهایی سبب افزایش قیمت اسمی سهام می‌شود، اما این دیدگاه همیشه درست نیست. نمونه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، دوره‌هایی است که حتی با وجود تورم، ارزش سهام برخی شرکت‌های نام‌آشنا کاهش چشمگیری داشته و حتی تا نصف تقلیل یافته است.

قصد من این است که توضیح دهم در برخی موارد، روند واقعی در بخش تولید کشور می‌تواند تأثیرات مشخصی بر افزایش قیمت سهام داشته باشد. این امر نشان‌دهنده آن است که فعالیت و نوآوری‌های واقعی صورت گرفته در بدنه تولیدی باعث افزایش ارزش سهام شده و این ارتباط، تنها محدود به تأثیر تورم نیست. سهامی که بانک‌ها در اختیار دارند، می‌تواند به دلیل تقویت ظرفیت تولیدی شرکت با افزایش ارزش مواجه شود. اما موضوع مهمی که لازم است به آن توجه شود، رویکرد جدید بانک مرکزی در زمینه نظارت است.

طبق سیاست‌ها و رویکرد نظارتی جدید بانک مرکزی، در نظر است که بانک‌ها ملزم به واگذاری دارایی‌های غیرمالی و غیربانکی خود شوند. این شامل فروش سهام شرکت‌های صنعتی و سایر اموال مرتبط نیز می‌شود. بنابراین، این حرکت نظارتی محدود به دارایی‌های ثابت مانند زمین یا ساختمان نیست؛ بلکه تمرکز اصلی بر آزادسازی منابع مالی از سهام یا دارایی‌های غیرمرتبط با فعالیت‌های بانکی نیز می‌باشد. به علاوه از منظر اقتصادی باید اشاره کرد که پدیده تورم تنها می‌تواند در کوتاه مدت سبب افزایش ظاهری یا اسمی قیمت دارایی‌ها شود و لزوماً تأثیری بر افزایش ارزش ذاتی آنها ندارد. بنابراین، تغییرات قیمتی در سهام ممکن است به دلایلی فراتر از تورم، مانند عملکرد بخش واقعی اقتصاد و تولید، شکل بگیرد.

**مصباحی‌مقدم:** در دوره مورد بحث، شاخص بورس به طور قابل توجهی افزایش یافته و در نتیجه، ارزش این سهام نیز رشد چشمگیری داشته است؛ اما باید توجه داشت که این افزایش تنها ناشی از تورم نیست. یعنی ممکن است تنها بخشی از این رشد ناشی از تورم باشد، اما تمام آن را نمی‌توان به تورم نسبت داد. نکته اصلی اینجاست که این سود حاصل ترکیب آورده سهامداران و سپرده‌های سپرده‌گذاران است. بر اساس مصوبه اخیر شورای پول و اعتبار، مقرر شده است که این منابع صرف افزایش سرمایه بانک شود.



**ابوالحسنی:** در سال ۱۳۹۹، مشاهده شد که سهام در برخی مواقع کاهش یافته و در مواردی نیز افزایشی بوده است و این موضوع لزوماً ناشی از خود تورم نیست. موضوع اصلی در این میان انتظارات تورمی است. زمانی که شاخص بورس در سال ۱۳۹۹ روند صعودی داشت، بسیاری بر این باور بودند که قیمت‌ها در آینده بیشتر خواهد شد؛ حتی اگر ارزش واقعی سهام به طور محتوایی با افزایش قیمت‌ها هم‌خوانی نداشت. بنابراین دلیل افزایش ارزش سهام تورم واقعی نبوده، بلکه این افزایش به دلیل انتظارات تورمی رخ داده است. از این گذشته، در اقتصاد ایران همواره تورم وجود داشته و همچنان نیز ادامه خواهد داشت. اما محل بحث شورای فقهی و مشکلات اجرایی که مطرح شده، به بخش شرعی و نحوه اعمال قوانین بازمی‌گردد. یکی از موضوعاتی که توسط آیت الله مصباحی‌مقدم بیان شد، این بود که بعضی از منابع به بانک‌ها تعلق دارد. حال اگر سهام بانک‌ها گران‌تر شده باشد، سرمایه سپرده‌گذاران نیز در واقع تغییر کرده است؛ چون اصل سرمایه متعلق به افراد است و به دسته‌بندی دارایی‌ها بازمی‌گردد. مصوبه‌ای نیز در این خصوص تدوین و برای اجرا ارسال شد، لیکن مواعی در اجرای آن پیش آمد. یکی از این مواعی، بانک‌هایی بودند که اجرای مصوبه منجر به خروج میزان قابل توجهی از منابع می‌شد. برای نمونه، در یک یا مجموع چند بانک، باید حدود ۵۰۰۰ میلیارد تومان از منابع بانک خارج و به سپرده‌گذاران پرداخت می‌گردید. این موضوع بانک‌هایی را که پیش‌تر دچار عدم توازن مالی بوده‌اند را بیش از پیش متزلزل نمود.

مشکل دیگر، شناسایی سپرده‌گذارانی بود که در زمان صدور مصوبه حضور داشتند؛ چرا که ممکن است وضعیت آنها تغییر کرده و سپرده‌گذاران بانک تسویه حساب کرده باشند. لذا نحوه شناسایی دوباره آنها برای اجرای دقیق مصوبه دشوار بود. این مسائل مربوط به مرحله اول اجرا بود. در مرحله دوم، برای ساده‌تر شدن شرایط، تصمیم گرفتیم زمان را به قبل و بعد از سال ۱۳۹۹ تقسیم کنیم تا بر این اساس مصوبات قابلیت اجرای بیشتری پیدا کند. حتی اگر برخی سپرده‌گذاران قراردادهای جدیدی منعقد کرده باشند، قراردادهای جدید آنها ربطی به دوره قبلی ندارد. تیم نظارتی بانک مرکزی اکنون این سه بخش را تفکیک کرده است و باید بررسی کنیم که در اجرا دقیقاً ایراد از کجاست و چگونه می‌توان آن را برطرف نمود.

**اسلامیان:** اگر واقعاً این سود متعلق به آن افراد بوده باشد، طبیعی است که در حال حاضر به‌درستی مشخص نشده است. اما با توجه به اینکه این مبلغ به سرمایه بانک افزوده شده می‌توان گفت این سرمایه اضافه شده نیز متعلق به همان افراد است؛ اکنون سهم آنها دقیقاً معلوم و شناسایی نشده است.

**رضایی:** در سال ۱۳۹۹ افرادی که سهام داشتند اقدام به فروش آن کردند، چرا که پیش از این، سودی شناسایی نشده بود. افرادی نیز سرمایه خود را در بانک سپرده‌گذاری کرده بودند و در پایان سال سپرده خود را برداشتند، در این مورد نه بانک و نه مشتریان از وجود سود اطلاع نداشتند. حتی تصور می‌کردند ممکن است بانک زیان کرده باشد. اما با تغییر شرایط در سال ۱۳۹۹، مشخص شد که در واقع سودی وجود داشته است؛ سودی که پیش از این شناسایی نشده بود.

**صدقی:** متن مصوبه‌ای که در سال ۱۴۰۰ توسط شورای محترم پول و اعتبار تصویب شده، در اختیار قرار گرفته است. با این حال، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که بر اساس اظهارنظر صورت گرفته، مصوبه مذکور از منظر شرعی

با ایراداتی مواجه بوده و عنوان شده که این مصوبه به وضوح خلاف موازین فقه اسلامی است. همچنین، ذکر شده که سود حاصل از این مصوبه در واقع به سپرده‌گذاران تعلق دارد و نه صرفاً سهامداران. عاملی که از سوی ریاست شورا بیان شده، به وضوح ابهامی را در تفسیر ایجاد کرده است. این ابهام متأثر از توضیحاتی است که در ذیل متن مصوبه شورای پول و اعتبار مورخ ۶ بهمن ۱۴۰۰، ارائه شده. در آن توضیح اشاره شده که مصوبه شورای پول و اعتبار ممکن است دارای ایراد شرعی باشد.

**مصباحی مقدم:** پاسخ ارائه شده بسیار مختصر و اجمالی بود، اما در عین حال به موضوع مهمی اشاره داشت که مرتبط با منابع سپرده‌گذاران بوده که با استفاده از آنها سهامی خریداری شده است. به طور کلی این منابع، ترکیبی از دارایی‌های بانک و سپرده‌های افراد بوده که به صورت مشارکتی در خرید سهام دخیل بوده‌اند. آن بخش از این منابع که به سپرده‌گذاران مربوط می‌شود، بر اساس حکم شرعی مرتبط، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

قبلاً به صورت تفصیلی توضیح داده شد که دسته‌ای از تسویه‌های مالی پیش از سال ۱۳۹۹ انجام گرفته و افرادی که در آن دوره اقدام به تسویه نموده‌اند و تا پایان سال مالی سپرده خود را حفظ نکرده‌اند، از این مسأله مستثنا هستند. به این ترتیب فقط سپرده‌گذاران مرتبط با منابع سال ۱۳۹۹ و بعد از آن مورد بحث قرار می‌گیرند، چرا که خرید سهام با استفاده از منابع مشترک میان بانک و سپرده‌گذاران مذکور ایجاد شده و حق مالکیت سهام نیز به همین دو بخش بازمی‌گردد. یک بخش از این سهام متعلق به بانک است و بخشی دیگر به سپرده‌گذاران مربوط می‌شود. در این ماجرا وقتی سخن از برداشت منابع مطرح می‌شود، یادآور می‌شویم که این منابع اساساً متعلق به عموم مردم است، نه اینکه صرفاً دارایی خصوصی بانک‌ها قلمداد شود. ادعای ثبت این منابع به نام بانک‌ها و کاستن از حقوق سپرده‌گذاران محل اشکال است؛ چرا که از دیدگاه حقوقی و شرعی این منابع همچنان وضعیت نامعینی دارند. بنابراین، نمی‌توان بر اساس آن به تصمیم‌گیری اقتصادی یا محاسبات مالی متکی بود. تا زمانی که بر اساس پاسخ داده شده تکلیف نهایی در خصوص وضعیت حقوقی و شرعی این منابع تعیین نشود، استفاده مالی یا حقوقی از آنها نمی‌تواند قابل پذیرش باشد.

**اسلامیان:** آقای رضایی در رابطه با سپرده‌گذاران پس از سال ۱۳۹۹، بیان داشتند که اگر سپرده‌گذاری اقدام به تسویه با بانک نموده باشد و اساساً سودی شناسایی نشده باشد، مسئله خارج از بحث خواهد بود. اما اگر سودی به وی تعلق گرفته باشد و فرد از آن بی‌اطلاع بوده و تسویه کرده باشد، حکم دیگری دارد.

**منصوری:** دستورالعمل مربوط به سود مشاع توضیح می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاری بانک، که فرضاً برای خرید سهام صورت می‌گیرد، به عنوان مصارف مشاع شناخته می‌شود. سودی که از این سرمایه‌گذاری‌ها به دست می‌آید، به عنوان سود مشاع تعریف شده است. شورای پول و اعتبار نیز بر اساس شرایط کشور این دستورالعمل را تصویب و ابلاغ کرد. مصوبه شورای فقهی پس از آن صادر شد که برخی بندهای مرتبط با شرع تفکیک گردید. حالا لازم است جزئیات این موضوع را بررسی کنیم تا نکات اجرایی آن مشخص شود.

به عنوان مثال، مشتریانی که پیش از سال ۱۳۹۹ تسویه حساب کرده‌اند، از سود فروش سهام سهمی نخواهند داشت. در سازوکار سود مشاع که در دستورالعمل آمده است، مقرر شده که پس از برگزاری مجمع عمومی بانک در هر سال، سود نهایی تصویب و پرداخت شود. در حسابداری نیز «اصل دوره مالی» رعایت می‌شود. بنابراین، برای تعیین سود دقیق، باید تا پایان دوره یا حتی زمان انحلال صبر کرد تا محاسبات، دقیق انجام شود. از منظر حسابداری در محاسبه سود قطعی، دوره‌های مالی تعریف می‌شوند و در هر دوره گروهی از سپرده‌گذاران و منابع مشخص وجود دارند. این منابع به مصارفی مانند تسهیلات، سرمایه‌گذاری در سهام و سایر موارد اختصاص داده می‌شود. به این ترتیب، این مصارف به سپرده‌گذاران آن دوره ارتباط می‌یابد؛ این همان تئوری سود مشاع است. طبق مصوبه شورای پول و اعتبار، حداکثر یک ماه پس از نهایی شدن عملکرد مجمع بانک، باید این سودها پرداخت شود. بنابراین، روند قطعی شدن و نهایی شدن سود در هر سال ادامه دارد و بر اساس آن برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

**رضایی:** شما در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، در پایان هر سال سود را محاسبه و تسویه می‌کردید. اما در سال ۱۳۹۹، سهام را فروختید و آن سهام سود قابل توجهی داشت، ولی آن را در سود همان سال لحاظ نکردید. در واقع باید همان سال سود محاسبه و پرداخت می‌شده.

**صدقی:** از سال ۱۴۰۰ شورای محترم پول و اعتبار مصوبه‌ای در این زمینه داشت. این موضوع از سال ۱۳۹۹ مطرح شده بود، اما در سال ۱۴۰۰ به صورت رسمی توسط شورای پول و اعتبار به سرانجام رسید. در این مصوبه، تأکید شده بود که سپرده‌گذاران کنار گذاشته شوند و بحث افزایش سرمایه بانک‌ها در ارتباط با سود سال ۱۴۰۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت. بنابراین از سال ۱۴۰۰ به بعد، برخی بانک‌ها طبق مصوبه شورای پول و اعتبار اقدام به فروش دارایی‌های خود می‌کردند. سود به صورت مشاع محاسبه و میان سپرده‌گذاران و سهامداران تقسیم گردید. امسال نیز یکی از بانک‌ها که در حال فروش دارایی‌های خود می‌باشد، سؤالی را مطرح کرده که با توجه به وضعیت خاص دارایی‌ها، چگونه باید این فرایند را مدیریت کند؟

**ابوالحسنی:** این موضوع مربوط به سال ۱۳۹۹ است و نیازی به بررسی موارد پیش از آن نداریم؛ بنابراین، سال‌های قبل را کنار می‌گذاریم. تا سال ۱۳۹۸ هر فعالیتی که انجام شده بر اساس محاسبات قبلی بوده و نیاز به بررسی مجدد ندارد. اما آنچه که شما می‌فرمایید مربوط به اتفاقاتی است که در سال ۱۳۹۹ رخ داده است، به خصوص درباره افزایش شاخص بورس. در اینجا شورای فقهی اظهار می‌کند که اگر در سال ۱۳۹۹ سهامی توسط بانکی خریداری شده باشد، حتی اگر در سال ۱۴۰۰ یا ۱۴۰۱ فروخته شود یا هر زمان دیگری، چون این سهام با سرمایه سهامداران از ابتدای سال ۱۳۹۹ خریداری شده، سود حاصل از آن متعلق به چه کسی خواهد بود؟ شورای فقهی تأکید دارد که سود مربوط به کسی است که سرمایه‌گذاری انجام داده است. اگر این سود از پول بانک تأمین شده، پس مالک سود نیز بانک خواهد بود. از سال ۱۳۹۹ به بعد فروش‌هایی در موارد سرمایه‌گذاری داشتیم، اما در سال ۱۴۰۰ که شورای پول و اعتبار این اجازه را داد که از محل این فروش‌ها بانک‌ها افزایش سرمایه دهند، برخی بانک‌ها افزایش سرمایه دادند و برخی دیگر تمایلی به انجام این کار نشان

ندادند. این موضوع اصلاً به محل سرمایه‌گذاری مرتبط نیست، بلکه مهم، محقق شدن فروش موارد سرمایه‌گذاری شده توسط بانک است. زمان وقوع سرمایه‌گذاری در اولویت قرار ندارد؛ ممکن است ملکی را که بانک امسال فروخته، پانزده سال یا حتی ده سال پیش خریداری کرده باشد یا شاید در سال ۱۳۹۹ خریداری شده و تا به امروز حفظ شده باشد و همین امسال سود آن محقق شده است.

**رضایی:** اگر فروشی انجام نشود، تا پایان سال هیچ سودی محاسبه نخواهد شد. همچنین، پولی به حساب بانک واریز نمی‌شود که آن را در چرخه توزیع بین ذینفعان قرار دهد. مثلاً بنده پول خودم را در اختیار کسی گذاشتم که با آن پول خانه‌ای خریداری نموده. به او گفته‌ام که در همان زمان خانه را بخر تا بتوانم سودی از افزایش قیمت آن به دست آورم. حالا همان سال یا حتی سال آینده هر زمانی بخواهد خانه را بفروشد، این تأخیر سودی نصیب بنده نمی‌کند. اگر تا پایان سال مالی، فروش انجام نشود و سودی محاسبه نگردد، پول به حساب بانک وارد نمی‌شود که از آن برای پرداخت به ذینفعان استفاده کند. نماینده‌ای هم که از طرف مردم مسئولیت این کارها را برعهده دارد، اقداماتی انجام می‌دهد که در نهایت به ضرر ایشان ختم نشود، چرا که با توجه به فرضیات موجود، هدف او عمل کردن بر خلاف منافع مردم نیست.

**مصباحی‌مقدم:** در سال ۱۳۹۹ به نظر می‌رسد که تحولات مهمی در بازار سرمایه رخ داده است. در این دوره، شاخص کل بازار با جهش قابل توجهی مواجه شده و بسیاری از سهام‌ها با رشد چشمگیری همراه بوده‌اند. ظاهراً سهامی خریداری شده که به دلیل این افزایش شدید در شاخص قیمت، ارزش آن نیز به میزان قابل توجهی بالا رفته است. با این حال، مسئله‌ای که مطرح شده این است که سود حاصل از این رشد، به ویژه برای سپرده‌گذارانی که این سهام را در اختیار داشتند، به طور مناسب و عادلانه توزیع نشده است. گفته می‌شود که سود سهام تقریباً ۶۰ درصد افزایش یافته، اما سهام سپرده‌گذاران یا کسانی که به نوعی مالک این سهام بودند، در این میان محاسبه نشده یا به آنها تخصیص داده نشده است؛ که این موضوع می‌تواند باعث نارضایتی جدی در بین سرمایه‌گذاران شده باشد. این وضعیت اگرچه ممکن است در ابتدا پربازده به نظر برسد، اما مشکلاتی را نیز در شفافیت و مسائلی مانند توزیع منصفانه سود ایجاد کرده است.

**منصوری:** در دستورالعمل‌های مربوط به سود مشاع که توسط شورای پول و اعتبار تصویب شده است، تأکید شده که نسبت به محاسبه صحیح طبق استانداردهای حسابداری اقدام شود. بر اساس این استانداردها، سرمایه‌گذاری‌های بانکی به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا سریع‌المعامله هستند و در بازار خرید و فروش می‌شوند، یا در بازاری غیرفعال هستند و به راحتی قابلیت معامله ندارند. هر یک از انواع سرمایه‌گذاری روش‌های متفاوتی برای ارزیابی دارند. در روش ارزش بازار می‌توان به روش خالص ارزش فروش، روش بهای تمام شده و روش تجدید ارزیابی اشاره کرد. بر همین اساس، تصمیم‌گیری درباره انتخاب روش ارزیابی به هدف بانک از سرمایه‌گذاری بستگی دارد، برای مثال باید مشخص شود آیا قصد نگه‌داری سرمایه‌گذاری کسب سود بلندمدت است یا خرید و فروش کوتاه مدت؟

برای ملموس‌تر شدن موضوع مثلاً بانکی سرمایه‌گذاری مشخصی را در اختیار دارد که ارزشی برابر با صد هزار میلیارد تومان دارد. با این حال، در دفاتر حسابداری این بانک، سهم این سرمایه‌گذاری هنوز هم با همان مبلغ هزار میلیارد تومان که

در دهه ۷۰ خریداری شده، ثبت گردیده است. بر اساس استانداردهای حسابداری نیز این رقم همچنان بدون تغییر باقی مانده است. البته این بانك تنها از طریق دریافت سود تقسیمی (DPS) از این سرمایه‌گذاری بهره‌برداری می‌کند. طبق مصوبه مربوط به سود مشاع شورا، سود ناشی از فروش سرمایه‌گذاری‌ها تنها زمانی در نظر گرفته می‌شود که محقق شده باشد.

**مصباحی مقدم:** نیاز است این موضوعات با دقت بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد و در جلسه آینده مجدداً بررسی شود.

**ختم جلسه با صلواتی بر محمد و آل محمد**